



روزنامه صبح غرب کشور

صاحب امتیاز: مسعود جوادندل | مدیرمسئول: سید حسن قشمی | سردبیر: زهره پوروهایی | چاپ: نوبین همدان | نشانی تحریریه: همدان، خیابان پاسور، کوچه شهید عزیزیان، پلاک ۵۹

تلفن دفتر مرکزی: ۳۱۳۳۰ - ۰۸۱

صاحب امتیاز روزنامه: (۰۹۱۸۸۱۲۱۵۴) | آگهی‌ها: ۰۸۱ - ۳۸۲۵۴۰۴۰

پيامک: ۳۰۰۰۱۸۱۸۶۰ | ارتباط با تحریریه: ۳۸۲۷۲۹۹۹ - ۰۸۱ | دورنما: ۳۸۲۸۱۸۴۹ - ۰۸۱ | گستره توزیع: استان‌های ایلام - کرمانشاه - کردستان - مرکزی - همدان |

سندنج ۲- ۱۵ | ایلام ۳- ۱۹ | مرکزی ۲- ۹ | کرمانشاه ۳- ۱۵ | همدان ۴- ۱۱ |

sepehrgharb

Email: sepehrgharb.news@gmail.com

@sepehrgharb

www.sepehrpress.ir



مرا اسکن کنید

شاهد

پیامبر صلی الله علیه و آله

سرلوحه پرونده هر مؤمن (در روز قیامت) دوستی و محبت علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام است.

مستدرک حاکم، ج ۳

خداوند! شکرست با که در اوایل عمر به ما منت نهادی و حقیقت را به ما آموختی تا آگاهانه در راه تو قدم برداریم و از دین تو و دین ائمه (ع) با نثار جان خود حفاظت کنیم.

شهید رضا ترک ارزانیفودی

انتقال خشونت ونزاع از کوچه‌های بن‌بست به کف خیابان

۸۰ درصد مردم ایران از اختلالات روانی یا افسردگی و خشونت رنج می‌برند

سی‌هف‌غرب، گروه اجتماعی – عطیه صفی‌زاده: یک جرم‌شناس با بیان اینکه استرس، افسردگی، اضطراب، برخی از اختلال‌های شخصیتی، بدبینی و غیره سبب بروز خشونت و کاهش آستانه صبر در انسان می‌شود، اظهار کرد: در کشور ما به دلایل مختلف همچون عوامل اقتصادی، اجتماعی و فیزیکی افراد بیشتر در معرض خشونت قرار می‌گیرند و در سال‌های اخیر به‌دلیل تورم و مشکلات اقتصادی آستانه صبر مردم به‌شدت کاهش یافته است.

چندسال پیش وقتی آماری منتشر شد که نشان می‌داد ایرانی‌ها یکی از عصبانی‌ترین مردمان جهان هستند، بسیاری به صحت آن خُرده گرفتند؛ البته پس از مدتی صحت آن آمار هم زیر سؤال رفت. اما حداقل تا مدتی بحث بر سر چرایی این میزان از عصبانیت و خشم در جامعه ایران مطرح بود.

اگر حتی آن آمارهای منتشرشده را غرض‌ورزی بدانیم، آمارهای موجود در سازمان پزشکی قانونی نکته‌ای نیست که بتوان به‌راحتی از کنارشان گذشت. حالا سال‌ها است که این سازمان در آمارهای اعلامی‌اش نزاع را از نخستین دلایل مراجعه شهروندان به این سازمان عنوان می‌کند. آنچه برای فهمش نیازی به پژوهش و مطالعه‌ای نیست و فقط زیست در شهرها می‌تواند آن را ثابت کند، این است که آستانه تحمل مردم به شکل شگفتی پایین آمده است. در دسته‌بندی برخی از دلایل این نزاع‌ها که به جنایت ختم شده است، می‌توان مواردی را دید که هولناک است؛ (قتل برای جای پارک!)، «قتل برای کرایه اضافه»، اما چرا این میزان خشونت در جامعه طی دو دهه اخیر افزایش داشته است؟ چرا سهم رانان در این خشونت‌ها رو به افزایش است؟

حال با توجه به اهمیت موضوع با یک جرم‌شناس به گفت‌وگو نشسته و از او علل افزایش خشونت در جامعه را جویا شدیم که باهم می‌خوانیم؛

رئیس سابق کانون وکلا با بیان اینکه رفتار تجلی

و انعکاس دیدگاه فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و باورهای فردی است، عنوان کرد: انسان‌ها با توجه به شرایط زندگی خانوادگی، اجتماعی و فردی کنش‌ها و واکنش‌های متفاوتی نسبت به مسائل و مشکلات از خود نشان می‌دهند.

علی نجفی‌توانا مطرح کرد: درواقع خشونت نمادی از زندگی حیوانی نوع بشر است که ارتقای فرهنگی مردم در طول دوران و انتقال آموزه‌هایی برای مدیریت و کنترل خشونت و کاهش عکس‌العمل‌ها در انسان، سبب شده که افراد متعادل در خانواده و جامعه بتوانند خشونت خود را کنترل و مدیریت کنند.

مهارت کنترل خشم واجب‌تر از واکنس کرونا وی با اشاره به راهکارهایی برای کنترل خشونت، تصریح کرد: در مرحله نخست فرد باید توانایی‌های خود را برای کاهش عکس‌العمل و عصبانیت در زندگی افزایش دهد و سپس هنگامی که نتوانستیم خشم خود را کنترل کنیم، میحت مدیریت خشونت را باید یاد بگیریم.

این جرم‌شناس عنوان کرد: عوامل مختلفی باعث افزایش خشونت و نزاع در جامعه شده که مهم‌ترین آن عوامل اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و خانوادگی است و درصورتی می‌توان از فرد انتظار کنترل خشم را داشت که یک زندگی متعادل را برای او فراهم کنیم.

نجفی‌توانا با بیان اینکه استرس، افسردگی، اضطراب، برخی از اختلال‌های شخصیتی، بدبینی و غیره سبب بروز خشونت و کاهش آستانه صبر در انسان می‌شود، اظهار کرد: در کشور ما به دلایل مختلف همچون عوامل اقتصادی، اجتماعی و فیزیکی افراد بیشتر در معرض خشونت قرار می‌گیرند و در سال‌های اخیر به‌دلیل تورم و مشکلات اقتصادی آستانه صبر مردم به‌شدت کاهش یافته است.

وی معتقد است: به همین دلیل امکان مدیریت و کنترل رفتار و خشم بسیار کاهش یافته است. این پژوهشگر حوزه جرم‌شناسی اظهار کرد: در هر کشوری که مردم کنترل کمتری بر خشونت خود داشته باشند، رفتارهای خشونت‌آمیز بیشتر

جلوه‌گر خواهد شد و درنهایت جامعه گرفتار پدیده خشونت‌گرایی می‌شود. نجفی‌توانا با بیان اینکه انسان‌ها براساس جنسیت، موقعیت اجتماعی، تحصیلی، فرهنگ و تربیت خانواده در مقابل محرک‌های خارجی معمولاً رفتار متفاوتی از خود نشان می‌دهند، خاطرنشان کرد: به‌طور مثال بانوان در برخورد با مشکلات حساس‌تر برخورد می‌کنند، اما به‌طور کلی تربیت و محیط خانوادگی در نوع برخورد با مشکلات تأثیرگذار خواهد بود.

وی افزود: امروزه به‌دلیل افزایش عوامل تحریک‌پذیر اجتماعی همچون بی‌کاری، بی‌پولی و افسردگی، شاهد افزایش صعودی خشونت و نزاع در جامعه هستیم.

این وکیل دادگستری به افزایش مصرف مواد مخدر و مشروبات الکلی در بین جوانان اشاره و ادعان کرد: متأسفانه به‌دلیل شرایط بد اقتصادی جوانان قادر نخواهند بود ازدواج کنند و مجبور می‌شوند خلأهای خود را با سرگرمی‌های دیگر همچون مصرف مواد مخدر مُلِّ کنند؛ این امر سبب افزایش خشونت اجتماعی شده است.

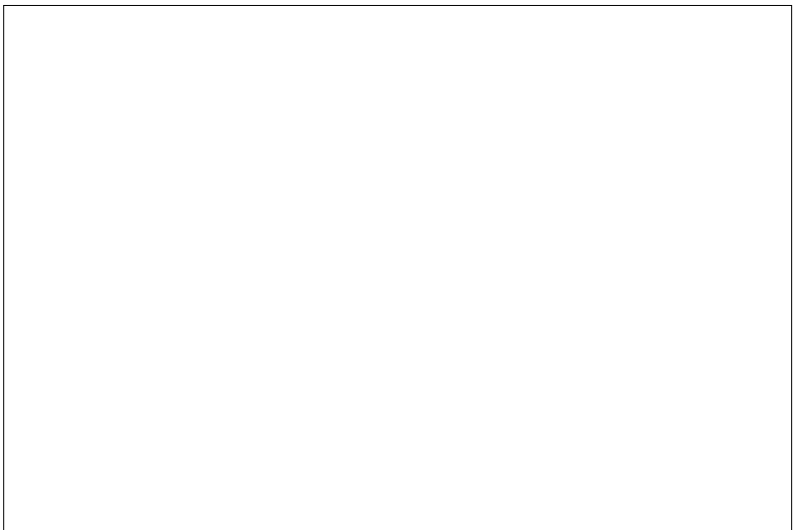
افزایش خانواده‌های «تک‌والد» در کشور

کاهش بُعد خانوار است؛ به‌طور مثال زمانی که یکی از اعضای خانواده از روستا به شهر مهاجرت می‌کند، به تبع تعداد اعضای خانواده کوچک می‌شود و فرد مهاجر نیز خانواده دیگری برای خود تشکیل می‌دهد که در این امر مهاجرت دانشجویان از روستاها به شهرها بی‌تأثیر نیست.

■ **مرگ‌ومیر و طلاق؛ عوامل مؤثر در افزایش خانواده‌های «تک‌والد»**
این جامعه‌شناس در ادامه در پاسخ به این سؤال که امروزه نهاد خانواده با چه معضلات و مشکلاتی مواجه است؟ این‌طور توضیح داد: از دیدگاه آماری افزایش مرگ‌ومیر و طلاق باعث شده تعداد خانواده‌های تک‌والد افزایش یابد، این روند روزبه‌روز در حال افزایش است و اگر حمایت‌های اجتماعی در این زمینه مد نظر قرار نگیرد، خانواده‌های تک‌والد انظر مالی در زیر خط فقر قرار می‌گیرند.

این جامعه‌شناس در پاسخ به این سؤال که چه عواملی در تغییرات ساختار خانواده مؤثر است؟ افزود: زمانی که نیاز به همکاری‌های اقتصادی در خانواده‌ها احساس نشود، تعداد خانواده‌های هسته‌ای بیشتر خواهد بود. با توجه به اینکه در گذشته‌های دور سبک زندگی خانواده‌ها روستایی و عشایری بود، این سبک ایجاب می‌کرد خانواده‌ها به‌صورت گسترده، یعنی همه اعضای خانواده در یک خانه زندگی کنند، اما با گذشت زمان که شهرنشینی رواج یافت، به‌تدریج از تعداد خانواده‌های گسترده کاسته شد و به‌مرور زمان زندگی‌های شهری موجب شد افراد جدا از یکدیگر زندگی کنند، حتی مطالعات انجام‌شده بیانگر آن است که در سال ۴۵، ۱۲ درصد خانواده‌ها گسترده بودند، اما این نرخ در سال ۹۵، به چهار درصد رسید.

کاظمی‌پور یکی دیگر از تغییرات عمده رخ‌داده در ساختار خانواده را ناشی از تغییر سبک زندگی خانواده‌ها دانست و گفت: زمانی که وضع فعالیت خانواده‌ها از بخش کشاورزی به سمت صنعت و خدمات متمایل شود، به تبع نوع خانواده نیز از سمت خانواده گسترده به سمت هسته‌ای متمایل می‌شود. وی یکی از عوامل کاهش بُعد خانوار را کاهش تعداد فرزندان دانست و ادامه داد، شاهدیم که در سال‌های ۴۵ میانگین بُعد خانوار پنج نفر بود؛ یعنی به‌طور میانگین در یک خانواده والدین با سه فرزندشان زندگی می‌کردند، اما درحال حاضر میانگین تعداد فرزندان کاهش یافته است، به‌طوری‌که طبق آمارها ساختار خانواده از زن و شوهر و فرزندان تشکیل شده است. گرچه بسیاری از افراد خانواده‌های چندین‌نفره مانند یک خانواده‌ای که از والدین و هفت فرزند تشکیل شده را گسترده می‌دانند، اما از دیدگاه جامعه‌شناسی این خانواده «هسته‌ای» نام دارد. در سال ۴۵ خانواده گسترده در ایران قالب نبوده و آنچه تغییر یافته آن است که فقط خانواده هسته‌ای با بُعد وسیع خود کوچک‌تر شده است. بنا بر اظهارات کاظمی‌پور، مهاجرت‌های روستایی و شهری یکی دیگر از عواملی مؤثر در



نجفی‌توانا گفت: با اعمال مجازات نمی‌توان خشونت و نزاع، مصرف مواد مخدر و سایر آسیب‌های اجتماعی را کاهش داد و بهتر است که از روش پیش‌گیرانه برای کاهش آسیب‌های اجتماعی استفاده کرد.

وی در ادامه گفت: لازم است برای کاهش آسیب‌های اجتماعی اقداماتی همچون تسهیل کردن ازدواج، اشتغال‌زایی، کاهش تورم و بیکاری، افزایش نشاط اجتماعی و غیره انجام گیرد.

یک جامعه‌شناس فهرست بلندی از عوامل پدیدآورنده خشونت در جامعه را نام می‌برد که در آن شرایط اقتصادی و فشار تورم بر معیشت مردم نقش مهمی دارد.

امان‌الله قزایی‌مقدم خاطرنشان کرد: حاکم شدن ذهنیت مادی و اهمیت ندادن به معنویات در پُررنگ شدن خشونت تأثیر چشمگیری دارد.

این جامعه‌شناس با بیان اینکه انسان‌های حاصل از این زندگی شبیه ربات و خودمدار بار می‌آیند و این تنها مخصوص کشور ما نیست، گفت: درحال حاضر همه‌چیز ما در جامعه خشونت‌زا است و در خانواده این خشونت

بازتولید می‌شود؛ فرض کنید پدری عصبانی از فشارهای اقتصادی یا تحت شرایط سخت، زورشر به فرزند کوچکش یا افراد در دسترس خانه می‌رسد و خشونت خود را بر سر آن‌ها آوار می‌کند. چون می‌داند این ابزار خشونت در خانه هزینه آنی ندارد و این تربیت خشن باعث خواهد شد آن فرزند در بزرگ‌سالی بدون اینکه بداند به فردی خشن در جامعه تبدیل شود.

وی عنوان کرد: برای فهمیدن شرایط پُرتنش شهری می‌توانیم نگاهی به ایستگاه‌های مترو بیندازیم، مردمی که مجبورند برای رفت‌وآمد در میان خطر همه‌گیری، گوش تا‌گوش در مترو بایستند و عصبانی و خسته بدون لحنی‌دین هرروز برونند و بیایند.

این پژوهشگر حوزه اجتماعی با اشاره به اینکه کتک خوردن در خانه از دست پدر یا مادر و یا ابراز خشونت مرد به همسرش شاید تا ۵۰ سال پیش حتی معنای خشونت نداشت و ضرب‌المثل‌های ایرانی هم این مسئله را تأیید می‌کنند، اظهار کرد: همان‌هایی‌که چوب خوردن از معلم را ستایش می‌کنند یا خشونت دیدن زن را عادی جلوه می‌دهند؛ اما حالا با پیشرفت علوم روان‌شناسی و روان‌شناختی معنا و مفهوم خشونت هم عوض شده است.

قزایی‌مقدم معتقد است: ریشه خشونت در خانه را باید در جامعه جست‌وجو کرد؛ از انتظارات جامعه و فشاری که به خانواده برای تربیت فرزند می‌آید، درواقع والدین ۲۰ درصد در تربیت فرزند خود تأثیر دارند و باقی این نقش به‌عهده جامعه است. اما زمانی که فرزند خطا می‌کند، جامعه والدین را مورد بازخواست قرار می‌دهند، درحالی که آن‌ها تنها ۲۰ درصد نقش داشتند.

وی با بیان اینکه همان جامعه‌ای که بر شخصیت فرزند تأثیر گذاشته والدین را تحت فشار قرار می‌دهد تا او را تنبیه کنند، افزود: به‌عنوان مثال پدر و مادری در‌نظر بگیرد که به‌سختی در تلاش برای معیشت هستند، آدم‌هایی ساده که در شرایط پُر‌فشار اقتصادی سعی کرده‌اند ارزش‌های خانوادگی را حفظ کنند و

سی‌هف‌غرب، گروه اجتماعی؛ براساس آخرین اطلاعات منتشرشده از سوی مرکز آمار ایران حدود ۸۷ درصد از خانوارهای ایران را «خانواده‌ها» تشکیل می‌دهند؛ خانواده‌هایی که اگرچه در بار معنایی به‌عنوان خانواده تلقی می‌شوند، اما این‌روزها شکاف فرهنگی، اجتماعی و بین‌نسلی از یک طرف و ورود وسایل ارتباط جمعی و شبکه‌های اجتماعی از سوی دیگر تعامل اعضای خانواده‌ها را با یکدیگر کم‌رنگ کرده است.

در آستانه «روز خانواده» و به‌منظور بررسی وضعیت آماری خانواده‌های ایران، معضلات و مشکلات موجود در خانواده‌ها و تغییر و تحولاتی که طی سال‌های اخیر این نهاد داشته است، با شهلا کاظمی‌پور، جمعیت‌شناس و استاد دانشگاه به گفت‌وگو نشستیم.

■ **کاهش تعداد اعضای هر خانوار به حدود سه نفر**

یک استاد دانشگاه با اشاره به اینکه ایران در سال ۵۵، ۳۳ میلیون نفر جمعیت داشت اما این رقم در سال ۶۵ به ۴۹ میلیون نفر و در سال ۹۵ به ۸۳ میلیون نفر رسید، گفت: افرادی که زیر یک سقف زندگی می‌کنند و هم‌خرج هستند، «خانوار» نامیده می‌شوند؛ حال اگر تشکیل یک خانوار به موجب ازدواج شکل گیرد، آن خانوار «خانواده» تلقی می‌شود. براساس آمارهای موجود در سال ۶۵ حدود ۱۰ میلیون خانوار در کشور زندگی می‌کردند که سال ۹۵ این رقم به ۲۴ میلیون خانوار رسید؛ این موضوع بیانگر آن است که با افزایش جمعیت، تعداد خانوارها نیز افزایش یافته، اما با گذشت زمان میانگین تعداد اعضای خانوار تغییر پیدا کرده، در دهه ۷۰ به‌طور میانگین بیش از پنج نفر در هر خانوار زندگی می‌کردند، اما رفته‌رفته تعداد اعضای خانوارها کاهش یافت. بنا بر اظهارات شهلا کاظمی‌پور، میانگین تعداد اعضای خانوارها در سال ۹۵ حدود ۳/۳ نفر است، یعنی در هر خانوار به‌طور متوسط حدود سه نفر زندگی می‌کنند.

■ **هفت درصد خانواده‌های ایرانی «تک‌والد» هستند**

وی براساس جدیدترین دسته‌بندی انواع خانواده که توسط مرکز آمار ایران انجام شده است، تصریح کرد: از میان ۲۴ میلیون خانوار، حدود ۶۱ درصد را خانواده هسته‌ای (خانواده‌ای که در آن والدین با فرزندان خود زندگی می‌کنند)، حدود چهار درصد را خانواده گسترده (خانواده‌ای که در آن والدین با فرزندان ازدواج‌کرده و نوه‌ها زندگی می‌کنند)، حدود هفت درصد را خانواده فوت، طلاق یا مهاجرت حضور ندارند)، حدود ۲۵ صدم درصد را خانواده فرزند سرپرست، حدود هفت درصد را خانواده تک‌نفره، حدود ۱۵ درصد خانواده زوجی و حدود ۶/۵ درصد را سایر موارد شامل می‌شود که البته خانوارهای دسته جمعی